

# سطوح بازدارندگی در رهنامه راهبردی اسرائیل

مریم السادات امیر شاه کرمی \*

۱ |

## چکیده

نظام سیاسی اسرائیل به دلیل ماهیت متفاوت شکل‌گیری که اساساً مبتنی بر اشغال و تصرف زورمندانه معنا یافته، همواره نگران تهدیداتی بوده که از محیط درونی و پیرامونی، متوجه آن بوده است. این تصور که هر جنگی می‌تواند بقای این نظام را تهدید کرده و حتی به طور کامل نابود کند، دولتمردان و طراحان دفاعی اسرائیل را به فکر واداشته تا با توسل به قدرت بازدارنده، مانع از وقوع هر نوع اقدام مبتنی بر ویرانگری و نابودی دولت یهود باشند. در واقع، بازدارندگی به عنوان رکن مهم رهنامه راهبردی اسرائیل شناخته می‌شود که با توسل به آن، این رژیم می‌کوشد به نوعی احساس آرامش و ثبات دست یابد. در مجموع، سه نوع تهدید، اساس سیاست بازدارندگی اسرائیل را شامل می‌شوند که در سطوح زیر قابل ارزیابی و تفسیرند: کم‌شدت، متعارف و راهبردی یا غیر متعارف. پژوهش پیش روی ضمن بررسی جایگاه بازدارندگی در رهنامه راهبردی اسرائیل این سه سطح را تحلیل و تفسیر می‌نماید.

**کلید واژگان:** اسرائیل، بازدارندگی، رهنامه استراتژیک، جنگ کم‌شدت، جنگ متعارف، جنگ راهبردی.

\* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و پژوهشگر مقیم مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی، سال پنجم، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۳، ص ص

♦ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

بازدارندگی اقدامی است که هدف از آن، بازداشتن دولتهای دیگر از اقدامات نظامی به منظور پرهزینه جلوه دادن آن اقدامات می باشد. پیشینه دیرینه بازدارندگی به منظور ایجاد هول و هراس در دشمن، به اندازه پیشینه تاریخ بشری قابل جستجو است. در آثار افرادی چون توسیدید به طور مشخص از این اصطلاح استفاده شده است.<sup>۱</sup> جیمز دوئرتی بازدارندگی را به معنای متقاعد کردن حریف نسبت به اینکه هزینه و خطرهای خط مشی احتمالی او از منافع آن بیشتر است، تعریف می کند.<sup>۲</sup> در تعریف دیگری از بازدارندگی چنین آمده: تلاش بازیگر A برای متقاعد ساختن بازیگر B به این مطلب که هرگاه بازیگر B دست به اقدامات نظامی علیه بازیگر A بزند، در این صورت هزینه ها و خسارتهای وارده بیشتر از منافع آن خواهد بود.<sup>۳</sup> با وجود این، پرکاربردترین روش برای عملیاتی کردن مفهوم بازدارندگی، قرارداد آن در سه سطح عملیاتی جنگ هسته ای، جنگ متعارف و جنگ کم شدت می باشد. در جنگ هسته ای، بازدارندگی تاکنون کارآمدی خود را اثبات کرده اما در دو سطح دیگر، مسئله اندکی پیچیده تر است؛ زیرا شمار متغیرهای دخیل، هم به لحاظ اهداف بازیگران و هم به لحاظ راهکارها و ابزارهایی که در اختیار دارند، بیشتر و متنوع تر است. در مورد اسرائیل، بازدارندگی اهمیت دوچندانی دارد.

با توجه به مطالب پیش گفته، بازدارندگی در رهنامه راهبردی اسرائیل به این معنا است که این کشور می کوشد به اعراب و دیگر نیروهای متخاصم تفهیم کند که جنگ به نفع آنها نیست و آنها را به تدریج، مجبور به پذیرش وضعیت موجود نماید. در مجموع می توان گفت، سیاست بازدارندگی اسرائیل براساس تهدیداتی که متوجه این کشور است، ترسیم شده است. این تهدیدات در حال حاضر به سه دسته تقسیم می شوند: تهدیدات ناشی از اقدامات چریکی و شبه چریکی در داخل سرزمینهای اشغالی و یامحیط پیرامونی مانند لبنان، تهدیدات ناشی از اقدامات نظامی و متعارف ارتشهای عرب و تهدیدات برخاسته از جنگ هسته ای. در این نوشتار، سعی شده به این پرسش اصلی پاسخ داده شود: هدف اصلی بازدارندگی در رهنامه راهبردی اسرائیل چیست؟ در مقابل فرضیه ای که مطرح شده این است: «هدف اصلی

بازدارندگی اسرائیل، تحقق این اصل است که امکان نابودی و یا ضربه مهلک به آن وجود ندارد و به این ترتیب، ضمن ممانعت از وقوع هر نوع اقدام مخرب و براندازنده، دشمنان را وادار به شناسایی رسمی خود نماید.<sup>۴</sup> به این منظور، ابتدا جایگاه بازدارندگی در رهنامه راهبردی اسرائیل تشریح می‌شود، آنگاه سه سطح تهدید گفته شده پردازش و ارزیابی می‌گردند.

### جایگاه بازدارندگی در رهنامه راهبردی اسرائیل

رهنامه امنیتی - راهبردی اسرائیل بر اساس عوامل گوناگونی شکل گرفته است. یوری - بار جوزف این عوامل را مشتمل بر تاریخی - فرهنگی، ماهیت نظام سیاسی، عوامل داخلی و محیط امنیتی می‌داند.<sup>۴</sup> عوامل تاریخی - فرهنگی به ادراکات، تجربیات و روان‌شناسی قوم یهود در قرون گذشته باز می‌گردد. مباحثی چون قوم برگزیده، کوره‌های آدم‌سوزی و هولوکاست، موجب روان‌پریشی مردم قوم یهود می‌شده و آنها را از سایرین متمایز ساخته است. ماهیت این نظام نیز از دیدگاه جوزف، مبتنی بر اشغال و تصرف آمرانه است. مجموعه‌ای از عوامل داخلی چون سرزمین کوچک، جمعیت اندک و اقتصادی محدود نیز اسرائیل را از عمق راهبردی بی‌بهره ساخته است و بالاخره محیط امنیتی ناآرام و محاصره وسیع از جانب همسایگان عرب و دول متخاصم، دیگر مشکل عمده اسرائیل است.<sup>۵</sup> دیوید رودمن نیز به همین عوامل به عنوان ارکان رهنامه امنیتی اسرائیل اشاره می‌کند و چنین بر می‌شمارد؛ جغرافیا، بازدارندگی، نیروی انسانی، کیفیت در مقابل کمیت.<sup>۶</sup>

برخلاف سایر کشورها که تهدیدات وارده، حاکمیت، حکومت، سرزمین و جمعیت - یعنی عناصر تشکیل دهنده دولت - را به مخاطره می‌اندازد، اسرائیل همه موجودیت و بقای خویش را از دست خواهد داد. از این رو، رهنامه امنیتی - راهبردی این کشور بر این پایه بنا نهاده شده که تل‌آویو باید ضمن برخورداری از بیشترین قدرت، به گونه‌ای باشد که هیچ دولت و یا گروهی از دولتها، جرأت حمله به آن را پیدا نکند و هوشیاری اطلاعاتی در این کشور به اندازه‌ای باشد که حتی اگر حمله‌ای به وقوع پیوست، با اتخاذ ضربه پیش‌گیرانه، از نابودی خود جلوگیری کند و به پیروزی قاطع و سریع دست یابد. از این رو در رهنامه راهبردی

اسرائیل، بازدارندگی رکن مهم و اساسی به حساب می‌آید که به رغم تداوم تغییر چهره این رهنامه در طول تاریخ تشکیل دولت اسرائیل تاکنون، همواره پایدار باقی مانده است.<sup>۷</sup> بازدارندگی در رهنامه راهبردی اسرائیل به معنای ایجاد نیروی توانمند نظامی است که بتواند کیفی شدن تجهیزات نظامی را در مقابل کمیت‌گرایی تجهیزات نظامی اعراب، حفظ کند. بازدارندگی اسرائیل، درحقیقت کوششی برای تضمین منافع و خواسته‌های حیاتی اسرائیل است. بر این اساس، اسرائیل تاکنون کوشیده دشمنان خود را به این امر راضی کند که قادر به پاسخگویی به هر نوع عملیات تهاجمی آنها می‌باشد. این توان پاسخگویی در جنگهای تمام عیار و با شدت و جنگهای کم‌شدت و نیز در قبال تسلیحات کشتار جمعی، به یک میزان است. راهبرد بازدارندگی دو هدف اصلی و بدیهی را برای ارتش اسرائیل به همراه داشته است: ممانعت از پیروزی اعراب در هر جنگ تمام عیار و گسترده و پیروزی آشکار در هر نوع مواجهه و رویارویی با دولتهای عرب.<sup>۸</sup> به عقیده طراحان نظامی اسرائیل، این اهداف برای بازداشتن اعراب از اقدامات نظامی علیه اسرائیل، لازم و ضروری هستند. در حقیقت، جلوگیری از دستیابی اعراب به موفقیت نظامی و سیاسی و نابودی آنها، در متن راهبرد بازدارندگی اسرائیل نهفته است. چنانچه پیشتر ذکر شد، براساس ماهیت تهدید - متعارف و یا غیرمتعارف - و نیز دامنه تهدید - شدید یا کم‌شدت - بازدارندگی را می‌توان در سطوحی تقسیم‌بندی کرد. می‌توان گفت، دولت تل‌آویو براساس تهدیداتی که برای خویش متصور است، سیاست بازدارندگی خود را ترسیم نموده است. این تهدیدات و جایگاه بازدارندگی در هر سطح تهدید، در زیر از نظر می‌گذرد.

### بازدارندگی غیرمتعارف

بازدارندگی غیرمتعارف یا بازدارندگی راهبردی، آن سطح از بازدارندگی می‌باشد که متضمن تداوم بقای اسرائیل در بلندمدت بوده و با وقوع هر نوع جنگ هسته‌ای و غیرهسته‌ای مقابله می‌نماید. کوهن در این رابطه می‌گوید: بازدارندگی در این سطح یعنی سطح غیرمتعارف. در واقع، یک سیاست طولانی مدت است که اسرائیل به واسطه آن می‌کوشد به

دشمن عرب تفهیم کند که نابودی این دولت غیرممکن بوده و هزینه‌ها و عواقب ناشی از آن، بسیار بیشتر از منافع مورد نظر می‌باشد.<sup>۹</sup> ژوزف، دیگر صاحب نظر در مسایل نظامی و امنیتی اسرائیل، با تأکید بر مطلب بالا منازعه اسرائیل - اعراب را از این منظر مورد مطالعه قرار می‌دهد که در آن، نابودی اسرائیل جزو اهداف سیاسی مهم دولتهای عرب است. وی در ادامه اصلی‌ترین شرط صلح میان اعراب و اسرائیل را حذف این تفکر از اندیشه اعراب می‌داند که روزی بتواند دولت اسرائیل را نابود کند.<sup>۱۰</sup> بالاترین سطح از سیاست بازدارندگی، جلوگیری از تهدید هسته‌ای و غیر متعارف است. به کارگیری قدرت هسته‌ای، اقدامی در جهت جلوگیری از تهدیدات متعارف و غیر متعارف می‌باشد. به این ترتیب، با توسل به این سطح از بازدارندگی، از بروز جنگهای متعارف در بلند مدت جلوگیری به عمل خواهد آمد. در حقیقت، این مشکل اسرائیل که از منافع کافی برای ایجاد بازدارندگی متعارف برخوردار نیست، سبب شده است این دولت جهت خنثی نمودن تهدیدهای متعارف کشورهای منطقه، به بازدارندگی تسلیحات هسته‌ای روی آورد. یوری بار - جوزف این سطح از بازدارندگی را «بازدارندگی فزاینده» می‌نامد که به مثابه یک سیاست پایدار بوده و هدف از آن تسلیم کشورهای عرب در برابر این خواسته دولت اسرائیل است که ادامه مناقشه به نفع آنها نیست.<sup>۱۱</sup>

هرمن کان درباره جنگ هسته‌ای، بازدارندگی هسته‌ای یا غیر متعارف را «بازدارندگی از طریق تخدیر» می‌نامد که طی آن نیروهای متخاصم از اعمال اقدام نظامی علیه حریف برحذر داشته می‌شوند.<sup>۱۲</sup> حساسیت دولت اسرائیل به سلاحهای اتمی به گونه‌ای است که بن‌گوریون دستیابی به سلاحهای اتمی را برای امنیت اسرائیل حیاتی می‌پنداشت. رهبران اسرائیلی، چه در گذشته و چه در حال، «دفاع از خود» و «خودکفایی» را مبتنی بر وجود یک زرادخانه هسته‌ای بزرگ دانسته‌اند. تاکنون نیز تقویت زرادخانه هسته‌ای در صدر اولویتهای راهبردی و امنیتی قرار داشته و تنها به دلایلی آن را مخفی نگه داشته است. از اصلی‌ترین دلایل این امر، قطع کمکهای اقتصادی و دفاعی آمریکا به اسرائیل در صورت آشکار شدن برنامه هسته‌ای این کشور است که برطبق تبصره سیمینگتون ۱۹۷۶، به قانون کمک خارجی ۱۹۶۷ آمریکا، قابل اجرا خواهد بود.<sup>۱۳</sup> ترس اسرائیل از تسلیحات غیرمتعارف به ویژه

از اواسط دهه ۱۹۸۰ و ترس از حملات گروه‌های اسلام‌گرا بیشتر از تهدیدات مهم امنیتی حملات متعارف گردیده است. به گفته برخی از پژوهشگران، اسرائیل امروز بیش از هر زمان دیگری در برابر حملات متعارف دشمنان خود از امنیت برخوردار است.<sup>۱۴</sup> این دولت دیگر نگران تهدیدهای متعارف نیست، بلکه بیشتر از دو نوع تهدید غیرمتعارف بیم دارد: ۱. تهدید از سوی رقبایی چون ایران و سوریه که توانایی لازم برای حمله مستقیم به کل اسرائیل را دارند؛ ۲. تهدید غیرمتعارف از سوی انتفاضه فلسطینی‌ها، حماس و حزب الله.<sup>۱۵</sup> به دلیل وجود این تهدیدات غیرمتعارف، بازدارندگی راهبردی، امروزه در بالاترین سطح از بازدارندگی اسرائیلی قرار دارد.

به نظر می‌رسد اسرائیل در توسعه و گسترش سلاح‌های هسته‌ای گام‌های بلندی برداشته است و اصلی‌ترین هدف در این راه، رسیدن به درجه بالایی از ثبات و اطمینان خاطر است. در رابطه با گسترش سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل می‌توان از نظریه «سودمندی گسترش سلاح‌های هسته‌ای» که در اوایل دهه ۱۹۸۰ توسط کنث والتز ارایه شد، استفاده نمود. والتز با تکیه بر آراء نو واقع‌گرایی و تأکید بر عوامل ساختاری بیان می‌دارد که دولت - ملت‌ها باید به بهترین وجه امنیت ملی خود را تأمین کنند و این امر محقق نمی‌شود مگر با دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای؛ زیرا این سلاح‌ها بازدارنده‌های خوبی در مقابل دشمنان بالقوه و بالفعل هستند. والتز با طرح این ایده مطرح می‌کند که گسترش سلاح‌های هسته‌ای باعث ثبات جهانی می‌شود. البته این نظریه والتز و طرفدارانش، چندان با استقبال مواجه نگردیده و اکثریت پیرو نظریه خطر آفرینی گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌باشند. ساگان، بنیان‌گذار نظریه اخیر، چنین استدلال می‌کند که تکثیر سلاح‌های هسته‌ای نه تنها ثبات به ارمغان نمی‌آورد، بلکه ثبات فعلی نظام بین‌الملل را نیز به مخاطره می‌اندازد. از این رو، وی بهترین راه ایجاد صلح جهانی را منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای می‌داند. با وجود این، بازدارندگی فزاینده به مثابه نمایش قدرت نظامی اسرائیل و در قالب پیروزی نظامی، قابلیت‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای، برای تضمین بقای اسرائیل، مورد نظر و مطلوب طراحان دفاعی این کشور می‌باشد. آنها کوشیده‌اند از این طریق دشمنان خود را متقاعد کنند که

نابودی اسرائیل و حتی وارد کردن ضربه‌های سهمگین و اساسی به این کشور، در عمل ممکن نیست و اسرائیل در صورت وقوع چنین امری، متوسل به سلاح‌های هسته‌ای خواهد شد.

### بازدارندگی متعارف

در بازدارندگی متعارف، هدف اصلی متقاعد کردن حریف به اجتناب از هر نوع تهدید گسترده علیه اسرائیل است. در حقیقت، دولت اسرائیل می‌کوشد نیروهای متخاصم، به ویژه دولت‌های عرب و یا غیر عرب منطقه را به این امر راضی نماید که مزایای تهدیدات به عمل آمده توجیهی بر خطرات و هزینه‌های آن نمی‌باشد. تحقق این سطح از بازدارندگی منوط به جلوگیری از حصول به اهداف توسط نیروهای مهاجم با استفاده از توان تسلیحاتی متعارف است. می‌توان گفت، اصلی‌ترین هدف اسرائیل از اعمال این سطح از بازدارندگی، بازداشتن اعراب از اقدام نظامی است. بدترین حالت در این نوع بازدارندگی، جنگ تمام‌عیار است. جنگ تمام‌عیار به معنای حمله شدید، وسیع و همه‌جانبه زمینی، هوایی و دریایی می‌باشد که می‌تواند اهداف راهبردی طرف مقابل را در بر گیرد.<sup>۱۶</sup> در مقابل، هدف بازدارندگی متعارف، جلوگیری از توانمندی نیروهای متخاصم در ضربه زدن به این اهداف راهبردی است. در این راستا، اسرائیل می‌کوشد به اعراب بقبولاند که نمی‌تواند به این اهداف ضربه وارد کند و به عبارت روشن، اعراب نمی‌توانند خطوط قرمز ترسیمی از جانب دولت اسرائیل را درهم بشکنند. این خطوط قرمز که در متن سیاست بازدارندگی اسرائیل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، گاه مشتمل بر مواردی چون تهدید امنیت اسرائیل، تسلیح کشورهای منطقه به سلاح‌های مخرب و هولناک، گسترش حملات ضدصهیونیستی علیه مواضع اسرائیل و استقرار نیروهای نظامی عرب در مرزهای اسرائیل می‌باشد.<sup>۱۷</sup> با وجود آنکه خطر تهدیدات متعارف تا حدود زیادی کاهش یافته، اسرائیل هنوز هم از قدرتهای نظامی متعارف در خاورمیانه به حساب می‌آید.<sup>۱۸</sup>

افول تهدیدهای متعارف باعث شده این سطح از بازدارندگی، دیگر جنبه معنایی مهمی برای اسرائیل نداشته باشد. به ویژه آنکه، بازدارندگی هسته‌ای به مثابه بازداشتن تهدیدات در

هر دو سطح غیرمتعارف و متعارف، از سطح عالی برخوردار است. جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳، ضعفهای رهنامه راهبردی اسرائیل را که مشتمل بر اتکای بیش از حد بر توان نظامی توپخانه ای بود، به نمایش گذاشت. چند سال بعد، به دلیل بهبود نسبی توان اسرائیل برای تحمیل یک رقابت تسلیحاتی با اعراب، به تدریج موازنه را به نفع این دولت تغییر داد. با این حال، به دلیل محدودیتهای ذاتی منابع طبیعی و انسانی، اسرائیل به زودی دریافت قادر به تداوم چنین سیاستی نیست. به گفته منابع دولتی اسرائیل، این کشور قادر به تشکیل یک ارتش بزرگ با کادر ثابت نیست و باید به نیروهای ذخیره خود متکی باشد. به دلیل کمی جمعیت، این دولت نسبت به تلفات نظامی و غیرنظامی حساسیت زیادی از خود نشان داده است و می‌کوشد بازدارندگی خویش را با دشمن حفظ کند.<sup>۱۹</sup>

محیط جدید امنیتی اسرائیل به گونه‌ای است که تهدید ناشی از حملات تروریستی و انتحاری و نیز سلاحهای غیرمتعارف، بیش از تهدید ناشی از تسلیحات متعارف، امنیت این کشور را به مخاطره انداخته است.<sup>۲۰</sup> پس از کنفرانس صلح مادرید در ۱۹۹۱، تفکر غالب در میان تصمیم‌گیرندگان اصلی اسرائیل این بود که احتمال جنگ با کشورهای هم‌مرز اسرائیل و تهدیدات مهم امنیتی حملات متعارف به اسرائیل کمتر شده، اما در مقابل، حملات گروههای اسلامی و حملات هسته‌ای - از سوی دشمنان در فاصله دورتر از قلمرو سرزمینی اسرائیل - بیشتر شده است. تا اواخر دهه ۱۹۹۰، اسرائیل در سطح کلان بر اهمیت حضور نیروهای نظامی در یک جنگ متعارف سرمایه‌گذاری می‌کرد. پس از آن، دل مشغولی اصلی طراحان امنیتی این کشور به طور فزاینده‌ای به مقابله با تروریسم و شورش وسیع‌تر از آن، تهدیدات هسته‌ای متمرکز شده است.

### بازدارندگی در جنگ کم شدت

بازدارندگی جنگ کم شدت، سطحی از بازدارندگی است که جهت اصلی آن بازداشتن فلسطینیان از اقدامات نظامی و مبارزه در داخلی اراضی اشغالی می‌باشد. با گسترش نیروهای چریکی و شبه‌چریکی به ویژه بعد از سال ۱۹۵۶، این سطح از بازدارندگی

چشمگیرتر شده است. مبارزات مردم فلسطین، چه به شکل عملیاتهای چریکی و چه در قالب انتفاضه، بازدارندگی جنگ کم شدت را در مقابل اسرائیل قرار داده است. البته در این رابطه مسایلی نیز وجود دارد. یوری- بار جوزف، عمده ترین این مسایل را ابهام در مرزهای مناقشه می داند. این ابهام را در عملیات جنگ ۱۹۶۷ به وضوح می توان مشاهده کرد. زمانی که راهبرد بازدارندگی اسرائیل به دلیل عدم وضوح مرزها در عملیات جنگی نیروهای نظامی مصر در کانال سوئز، به چالش کشیده شد و مواضع اسرائیل در جبهه مرکز بمباران شد. معضل دیگر به گفته جوزف، تفاوت میان اقدامات تلافی جویانه و اقدامات دیپلماسی خشونت آمیز است. در حالی که گروهی از محققان سیاستهای تلافی جویانه اسرائیل را به مثابه ابزاری برای تلافی و جلوگیری از تکرار اقدامات نظامی مشابه توسط گروههای فلسطینی می دانند، گروهی دیگر آن را در چارچوب دیپلماسی قهرآمیز و نه راهبرد بازدارندگی تفسیر می کنند.

بیان دقیق تر این مطلب را می توان در سخنان موشه دایان یافت: «ما می توانیم کاری کنیم که فرماندهان نظامی عرب به جای آنکه به شکست در نبرد با یگانهای ما تن در نهند، ترجیح دهند به تعهدات خود در برقراری نظم در مرزها به دقت عمل کنند.» در حقیقت، روی اصلی این سکه سیاست انتقام جویی است که طی آن، اسرائیل می کوشد اعراب را وادار کند هرگز داخل یک جنگ تما عیار نشوند و به هر شکل ممکن آنها را متقاعد نماید که در وضعیت و محیط داخلی از هر نوع ناامنی و یا چالش جدید بر حذر نمایند. کوهن این سطح از بازدارندگی را به مثابه اقدامات تلافی جویانه اسرائیل علیه فلسطینی ها تعبیر می کند که چون ابزاری برای بازداشتن ایشان از عملیاتهای نظامی و حتی سیاسی می باشد. با گسترش موج انتفاضه، تهدیدات داخلی اصلی ترین چالش فراروی اسرائیل می باشد و ناتوانی اسرائیل در جلوگیری از گسترش عملیات کم شدت و حرکتهای مردمی، موجب شده عده ای بر این باور شوند که راهبرد بازدارندگی اسرائیل در سطح جنگ کم شدت، در عمل ناتوان گردیده است. با توجه به اینکه جلوگیری از اوج گیری برخورد و بحران از اهداف بازدارندگی جنگ کم شدت می باشد، در سطح مزبور، راهبرد بازدارندگی اسرائیل دستاورد محسوسی برای این دولت به

همراه نیاورده است. تداوم مبارزات مردم فلسطین موجب شده اسراییل نتواند از درون مایه‌های راهبرد بازدارندگی، بهره‌برداری لازم را به عمل آورد. با این حال، این سطح از بازدارندگی همچنان در اولویت امنیتی اسراییل قرار دارد. به ویژه آنکه بدانیم، تهدیدهای امنیتی داخلی اسراییل در آینده چشمگیرتر خواهد شد. در سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷، بمب‌گذاریهای تل‌آویو و بیت‌المقدس، پرده از ابعاد همه‌جانبه تهدیدات داخلی علیه اسراییل برداشتند.<sup>۲۱</sup> ارتش اسراییل وظایف مهم خود را مبارزه با شورش و تروریسم توصیف کرده و به ادعای خویش، گروه‌های اسلامی چون حزب‌الله لبنان و حماس را در ردیف گروه‌های تروریستی قرار داده است. در سال ۱۹۹۶ نیز کمیته‌ای بین‌نهادی در دفتر نخست‌وزیر اسراییل برای هماهنگ نمودن فعالیت‌های «ضدتروریستی» به وجود آمد.<sup>۲۲</sup>

دانی روبنشتاین در روزنامه‌ها آرتس می‌نویسد: «امروزه در نقاط مختلفی از کرانه باختری رود اردن و نوار غزه، گروه‌ها و افرادی وجود دارند که برای اجرای عملیات‌های تهاجمی و ضد اهداف اسراییلی‌ها، سازمان‌دهی شده‌اند و علت وجود آنها تنفر و خشم نسبت به اسراییلی‌ها است.»<sup>۲۳</sup> یوئیل مارکوس، روزنامه‌نگار و منتقد، به نکته جالبی اشاره می‌کند. او انتفاضه را به مثابه جنگ خونینی می‌داند که بر ضد اسراییل به راه افتاده و نظم و راهبرد و هدف خاص خود را دنبال می‌کند. از دیدگاه مارکوس، فلسطینی‌ها می‌خواهند با انتقال جنگ به خاک دشمن، سیاست ارتش اسراییل را علیه خودش پیاده و اجرا کنند.<sup>۲۴</sup> انتفاضه فلسطین به لحاظ ابعاد گسترده‌ای که دارد، در همه زمینه‌ها بر اسراییل تأثیر گذاشته است. از این رو، دستیابی به پیروزی نظامی برای اسراییل به یک امر مهم و حیاتی مبدل شده است. ارتش اسراییل می‌کوشد بر پایه فعالیت‌های دقیق اطلاعاتی و گسترش تسلیحات پیشرفته، نتیجه بازی را به سود خویش تغییر دهد. از سوی دیگر، مشکلاتی چون فقدان عمق راهبردی و اندک بودن تعداد جمعیت، به نحو فزاینده‌ای اسراییل را به سمت دفاع از خود و بالا بردن ضریب بازدارندگی کشانیده است.

## نتیجه گیری

بازدارندگی به عنوان یک اصل اساسی، از ابتدا در دستور کار طراحان رهنامه راهبردی اسرائیل قرار داشته است. براساس این اصل مهم، اسرائیل تا جایی که ممکن بوده، کوشیده است به سطح بالایی از قدرت نظامی دست یابد؛ تا حدی که هیچ یک از نیروهای متخاصم جرأت و حتی تصور حمله به این کشور را ننمایند. در سطح سه گانه یاد شده مشتمل بر تهدیدات جاری بر امنیت ملی اسرائیل، جایگاه بازدارندگی به تصویر کشیده شد. در سطح بازدارندگی متعارف، آن طور که ذکر شده، شاهد نوعی افول هستیم؛ زیرا تهدیدات متعارف به ویژه از جانب همسایگان اسرائیل، کاهش یافته و تقریباً موضوعیت خود را از دست داده است. اما در دو سطح غیرمتعارف و کم شدت، شاهد ضریب بالایی از بازدارندگی هستیم. هنگامی که اسرائیل به سلاحهای هسته ای دست یافت توانست مانع از اقدات نظامی متعارف و غیرمتعارف شود. از این رو، این سطح از بازدارندگی از اولویت حساس و اساسی برای این کشور برخوردار بوده است. هرچند در سال ۱۹۹۱، عراق با ۴۰ فروند موشک اسکاد، مواضعی را در خاک اسرائیل نشانه رفت، اما بسیاری معتقدند در همان سال به خاطر تهدیدات اسرائیل مبنی بر به کارگیری سلاحهای هسته ای، مانع از اقدامات نظامی غیرمتعارف از جانب عراق گردید. در سطح بازدارندگی جنگ کم شدت و منازعات روزمره نیز، اسرائیل دست به بازدارندگی وسیع و همه جانبه ای زده است. گسترش موج مبارزات مردمی و شورشها و عملیاتی که در ادبیات سیاسی - نظامی اسرائیل، «تروریستی» خوانده می شوند، این کشور را بر آن داشته تا نیروها و توان نظامی خود را هر چه بیشتر بسیج کند.

در مجموع، اسرائیل ناگزیر است با تقویت توانایی نظامی خود در بلند مدت، نقش مستقلی برای بازدارندگی تهدیدهای غیرمتعارف و جنگ کم شدت ایفا کند. این کشور با آشکار نساختن راهبرد هسته ای خود تا کنون توانسته به تقویت نیروهای غیرمتعارف خود ادامه دهد. این کشور در سطح بازدارندگی غیرمتعارف کوشیده به کشورهای عرب و بعضی از کشورهای متخاصم و گروههای اسلام گرا این نکته را تفهیم کند که ادامه مخاصمه با اسرائیل به نفع آنها نیست. هر چند بر همگان مسلم است که امکان به کارگیری سلاحهای هسته ای به

دلیل تأثیر تشعشعات آن از شعاع کمتر از ۵۰۰ کیلومتر برای اسرائیل وجود ندارد، اما کشورهای فراتر از این شعاع، در معرض تهدید هسته ای اسرائیل قرار دارند. آسیب پذیری اسرائیل در قبال هرگونه حمله غیرمتعارف (شیمیایی، بیولوژیک و هسته ای) نکته ای است که همچنان آینده بقای این دولت را تهدید خواهد کرد. به این دلیل، بازدارندگی فزاینده در جایگاه ویژه خود قرار خواهد داشت. از سوی دیگر، از آنجا که معضلات امنیتی فعلی اسرائیل احتمالاً رو به فزونی خواهند رفت، اسرائیل در آینده با تهدیدات امنیتی بیشتری مواجه خواهد شد. تهدیداتی که لزوم بازدارندگی را در رهنامه راهبردی این کشور دو چندان می کند. □



## پاورقیها:

1. James Rudman, *The History of Wars*, www. fas.org, 2004/2/12 .
۲. جیمز دنورتی، نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علیرضا بزرگی، تهران: قومس، ۱۳۷۲، ص ۷۱.
۳. ابو محمد عسگرخانی، جزوه درس سیاست بین الملل، انتشارات دانشکده حقوق وعلوم سیاسی، ۱۳۷۹، ص ۲۱.
4. Uri Bar- Joseph, "Variation on Theme: The Conceptualization of Deterrence in Israel Strategic Thinking," *Security Studies*, Vol. 7, No. 3, June 1998, pp. 25-27.
5. *Ibid.*
6. David Rudman, *Israel, Military Doctrine*, www.global security.com, 2004/4/24.
۷. حمید فرهادی نیا، «استراتژی بازدارندگی اسرائیل»، ماهنامه نگاه، ۱۳۷۹، شماره ۴.
8. Alvit Cohen, *Deterrence Theory*, www.global security.com, 2004/4/25.
9. *Ibid.*
10. Bar-Joseph, *op.cit.*
11. *Ibid.*
12. Herman Kahn, *Nuclear War*, www.global security.com, 2004/4/28.
۱۳. سعیده لطفیان، «سیاست امنیت ملی اسرائیل: فرضیه‌ها و تحلیلها»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ششم، شماره یک، بهار ۱۳۷۸، ص ۷۵.
۱۴. همان، ص ۷۳.
۱۵. همان، ص ۷۴-۷۳.
۱۶. رابرت والترز، دام سلاح هسته‌ای و راهی برای گریز از آن، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۶۳، ص ۷۳.
17. Uri Bar-Joseph, *Towards a Paradigm Shift in Israel's National Security Conception*, www. global security.com, 2004/4/24.
۱۸. جهانگیر کرمی، «بازدارندگی در رهنامه راهبردی رژیم صهیونیستی: جایگاه، ابعاد و کارآمدی»، سیاست دفاعی، سال یازدهم، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۷.
۱۹. لطفیان، پیشین، ص ۷۳.
۲۰. همان.
21. Aaron Karp, "The Demise of the Middle East Arms Race," *The Washington Quarterly*, 18, 1995, p. 29.
22. Eliot Cohen, *Israel's Revolution in Military Technology*, London: Croom Helm 1999, p. 25.
23. www. ha'aretz.com, 2001/11/23.
24. www. ha'aretz.com, 2001/2/16.